



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حیات با برکات صادق آل رسول

ابراہیم شفیعی سرورستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حیات با برکت صادق آل رسول

نویسنده:

ابراهیم شفیعی سروسستانی

ناشر چاپی:

ماهنامه موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ حیات با برکت صادق آل رسول
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۶ انتقال امامت به حضرت صادق (ع)
۷ استقرار خلافت عباسیان
۸ وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امپراطوری اسلام
۹ قیامها و حرکت‌های اصلاح طلبانه در عصر امام صادق (ع)
۹ قیام یحیی بن زید
۹ قیام نوادگان امام حسن مجتبی (ع)
۱۰ خط مشی و موقعیت امام صادق (ع)
۱۱ پاورقی
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حیات با برکت صادق آل رسول

مشخصات کتاب

نویسنده: ابراهیم شفیعی سروسستانی

ناشر: ماهنامه موعود

مقدمه

ششمین امام معصوم در ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ ق در مدینه منوره به دنیا آمد. پدر ارجمندش حضرت محمد بن علی الباقر، علیهما السلام و مادر گرانقدرش «ام فروه»، دختر «قاسم ابن محمد بن ابی بکر»، بود. [۱]. نام مبارک آن حضرت «جعفر» و کنیه های حضرتش، ابو عبدالله، ابواسماعیل و ابوموسی بود. آن جناب را القاب بسیاری بوده که از آن جمله صادق، فاضل، طاهر و قائم از همه برجسته ترند. [۲]. امام صادق، علیه السلام، در دوران حیات جد بزرگوارش حضرت علی بن الحسین، علیهما السلام، به دنیا آمد و در آن تاریخ که سیدالسادین جهان را بدرود می گفت، صادق آل محمد، علیه السلام، کودکی دوازده ساله بود و به سال ۱۱۴ ق که حضرت باقر، علیه السلام، رحلت می کرد، وی ۳۱ سال داشت و از آن تاریخ به بعد به مدت ۳۴ سال امامت و رهبری شیعیان را بر عهده گرفت. [۳]. از خصوصیات ظاهری آن حضرت اینکه ایشان متوسط القامه، میانه بالا، افروخته رو، دارای بدنی سفید، بینی کشیده و موهای سیاه و مجعد بوده و بر صورت زیبایی خال سیاه هاشمی بود که بر ملاحظش می افزود. [۴]. آن امام چهره ای جذاب داشت و در نهایت جلالت و هیبت بود چنانکه هر بیننده ای را مسحور خویش می ساخت.

انتقال امامت به حضرت صادق (ع)

از آن امام نقل شده است که: «در آن دم که پدرم دیده از دیدار فرو می بست، رو به من کرده فرمود: «چند تن گواه بر بالین من حاضر کن». من نیز چهار نفر از رجال برجسته قریش را که در میان ایشان «نافع» غلام «عبدالله بن عمر» نیز بود، پیش او آوردم. سپس فرمود: «بنویس. این چیزی است که یعقوب به پسرانش وصیت کرد که ای پسران من خدا دینش را برای شما برگزیده، مبادا که جز بر سبیل اسلام از دنیا بروید». آنگاه رو به من کرده فرمود: «ای جعفر، پس از مرگم تو اقدام به غسل و کفن من نما و با آن جامه که در آن نماز جمعه می خواندم، کفنم بپوشان و عمامه ام را به سرم ببند و در دل خاک بند کفنم را باز کن. قبرم را چهارگوشه ساز و آن را چهار انگشت از زمین بالا- بیاور». آنگاه به آن چهارتن گواه فرمود: «به خانه های خویش باز گردید. خدایتان رحمت کند». امام صادق، علیه السلام، ادامه می دهد: «پدر جان، چه چیز در این جریان بود که لازم بود بر آن گواه گرفته شود؟!» فرمود: پسر جان. می خواستم همه بدانند که پس از من زمام امور به مشیت کیست. دوست نمی داشتم که در امامت تو شبهه و اشکالی به وجود بیاید». [۵]. آری، از آن زمان به بعد، در محیطی پر آشوب و در میان اقیانوسی پرتلاطم، حضرت صادق، علیه السلام، سکاندار کشتی شیعیان آل محمد، صلی الله علیه و آله، می گردد. کشتی ای که از جور زمانه آسیبها دیده و زخمها برداشته بود و اکنون در میان گرداب حوادث روزگار، راه خویش را به سوی ساحل آرامش می پویید. آغاز امامت آن حضرت مصادف با عصر خلافت «هشام بن عبدالملک» است. او از سال ۱۰۵ ق به خلافت رسیده و مردی بسیار زشت روی و زشت خوی بود. [۶]. در آن زمان سال نهم خلافتش را در اوج رذالت و پستی و در نهایت خشونت و سنگدلی سپری می کرد. اما در سال ۱۲۵ ق با به هلاکت رسیدن هشام، دوران خلافت ننگین او که آکنده از ظلم و جور نسبت به آل علی، علیهم السلام، و فساد و

تباهی بود به پایان رسید و پس از او زمام امور مسلمین به دست بی کفایت مردی دیگر از بنی مروان یعنی «ولید بن یزید بن عبدالملک» افتاد. ولید به شرابخواری و بی بند و باری معروف بود، [۷]. و به نقل مورخین در اواخر عمرش به کیش «مانی» پیامبر دروغین ایرانی گرویده و علناً به انکار خدا و رسول خدا، صلی الله علیه و آله و سلم، می پرداخت و سرانجام به خاطر همین اعتقادات و اعمالش مردم بر او شوریده و او را به قتل رساندند. [۸]. با هلاکت «ولید بن یزید» در سال ۱۲۶ ق دو خلیفه دیگر بر مسند خلافت نشستند، اما اوضاع زمانه چنان آشفته و پر آشوب بود که در مجموع خلافت آنها به هشت ماه هم نرسید و در سال ۱۲۷ ق، «مروان بن محمد» معروف به «مروان حمار» از استان جزیره به دمشق حمله کرد و خلافت را به دست گرفت. [۹]. مروان به قصد تحکیم اساس سلطنت خود و بازگرداندن قدرت و شوکت از دست رفته دولت بنی امیه و بنی مروان، دست به کشتارها و سخت گیریهای بسیار زد اما بی خبر بود که دوران اقتدار بنی امیه به سر آمده و تاریخ در انتظار روشن شدن برگ تازه ای از دفتر پرماجرایی حکمرانان پس از رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، است. در آن زمان که «مروان بن محمد» در منطقه جزیره درگیر جنگ با خوارج بود، در خراسان غوغایی دیگر برپا بود و سفیران بنی عباس در حال گرفتن بیعت از مردم برای یاری خود بودند و رفته رفته شعله قیام بالا می گرفت. [۱۰]. بالاخره پس از سالها جنگ و خونریزی میان بنی عباس و بنی مروان در سال ۱۳۲ ق «مروان حمار» به قتل رسیده و سرش را به نزد «ابوالعباس سفاح» می برند و این پایان حکومت هزار ماه بنی امیه و بنی مروان و آغاز خلافت بنی عباس بود.

استقرار خلافت عباسیان

با استقرار خلافت عباسی، «ابوالعباس سفاح» بر مسند خلافت تکیه می زند. او در دوران چهارساله خلافتش به انتقام از آل امیه پرداخته و هر که از بزرگان آنان باقی مانده بود به قتل می رساند و سرانجام در سال ۱۳۶ ق به مرض آبله از دنیا رفته و برادرش «ابوجعفر عبدالله» معروف به «منصور دوانیقی» به خلافت می رسد. [۱۱]. او نیز اگر چه در ابتدا به شیعیان آل علی، علیه السلام، تمایل نشان می دهد، اما پس از مدتی یکباره تغییر روش داده و سیره اسلاف اموی خود را پی می گیرد تا حدی که عهد منصور را یکی از پرخشنگ ترین دوره های تاریخ اسلام برشمرده اند. دوران پروحشتی که حکومت ارباب نفسهای مردم را در سینه ها حبس کرده و ترس و دلهره همه جا را فرا گرفته بود. امام صادق، علیه السلام، ده سال از اواخر عمر خود را در دوران خلافت منصور سپری ساخت. در حالی که جاسوسان و ایادی منصور روابط، ملاقاتها و درس و بحث او را از هر نظر تحت مراقبت شدید داشته و هر روز بر اساس گزارشهای بی اساس، آن حضرت را با آن همه شکوه و عظمت و با آن همه قدر و منزلت به پیش کتیف ترین و جلادترین مرد روزگار احضار کرده و مورد بازخواست قرار می دادند. گاهی به ساحت مقدسش جسارت و اهانت روا داشته و گاه او را تهدید به قتل و کشتار شیعیان می نمودند و بدین وسیله امام را مجبور می ساختند که به خاطر حفظ خون شیعیان و پیروان خود هم که شده است، حقایق را حتی به صورت غیرعلنی هم به دوستان خود نرساند و از این رو پیوسته از یاران و شیعیان خویش می خواستند که مواظب جاسوسان و خبرچینان باشند و مطالب مهم را جز به افراد شایسته و مورد اطمینان خود بازگو نکنند. این است که شاعری عرب درباره فجایع بنی عباس می گوید: «آرزو می کنم که جور و ستم بنی مروان مستدام می گردید و آرزو می کنم که ای کاش عدالت گستری بنی عباس آتش می گرفت و از میان می رفت». و براستی که این شاعر به گزافه سخن نرانده است، چرا که تعداد ساداتی که از نسل حضرت فاطمه، علیها السلام، در زمان منصور به قتل رسیدند در تمام مدت خلافت بنی امیه بی نظیر است. و بالاخره در ماه شوال سال ۱۴۸ ق منصور برگ دیگری بر دفتر زندگانی ننگین و خیانت بار خود افزود و با مسموم ساختن معصوم هشتم و امام ششم شیعیان، امتی را از فیض آن امام محروم و خود را برای همیشه مشمول لعنت الهی ساخت.

وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امپراطوری اسلام

رژیم بنی امیه در سالیان آخر زندگی امام باقر، علیه السلام و نیز سالهای آغاز امامت فرزندش امام صادق، علیه السلام، یکی از پر ماجراترین فصول خود را می گذرانید. قدرت نمایی های نظامی در مرزهای شمال شرقی (ترکستان و خراسان)، شمال (آسیای صغیر و آذربایجان) و مغرب (آفریقا و اندلس و اروپا) از سویی و شورشهای پی در پی در نواحی عراق عرب، خراسان و شمال آفریقا که عموماً یا به وسیله بومیان ناراضی و زیر ستم و گاه به تحریک یا کمک سرداران اموی به پا می شد. از سوی دیگر وضع نابسامان و پریشان ملی در همه جا و مخصوصاً در عراق، مقرر تیولداران بزرگ بنی امیه و جایگاه املاک حاصلخیز و پربرکت که غالباً مخصوص خلیفه یا متعلق به سران دولت او بود و حیف و میل های افسانه ای هشام و استاندار مقتدرش، خالد بن عبدالله قسری در عراق و بالاخره قحطی و طاعون در نقاط مختلف از جمله خراسان و عراق و شام و... حالت عجیبی به کشور گسترده مسلمان نشین که به وسیله رژیم بنی امیه و به دست یکی از معروفترین زمامداران آن اداره می شد، داده بود. بر این همه باید مهمترین ضایعه عالم اسلام را افزود، ضایعه معنوی، فکری و روحی. در فضای پریشان و غمزده کشور اسلامی که فقر و جنگ و بیماری همچون صاعقه برخاسته از قدرت طلبی و استبداد حکمرانان اموی بر سر مردم بینوا فرود می آمد، می سوخت و خاکستری کرد، پرورش نهال فضیلت و تقوی، اخلاق و معنویت چیزی در شمار محالات می نمود. رجال روحانی و قضات و محدثان و مفسران که می بایست ملجا و پناه مردم بینوا و مظلوم باشند، نه فقط به کار گره گشایی نمی آمدند، غالباً خود نیز به گونه ای و گاه خطرناکتر از رجال سیاست، بر مشکلات مردم می افزودند. نام آوران و چهره های مشهور فقه، کلام، حدیث و تصوف از قبیل «حسن بصری»، «قتاده بن دعامه»، «محمد بن شهاب زهری»، «ابن بشر» و «ابن ابی لیلی» و دهها تن از قبیل آنان در حقیقت مهره هایی در دستگاه عظیم خلافت و یا بازپچه هایی در دست امیران و فرمانروایان بودند. تاسف آور است اگر گفته شود که بررسی احوال این شخصیت‌های موجه و آبرومند در ذهن مطالعه گر آنان را در چهره مردانی سر در آخور تمنیات پلید، همچون قدرت طلبی، نامجویی و کامجویی و یا بینوایانی ترسو، پست و عافیت طلب یا زاهدانی ریاکار و ابله و یا عالم نمایان سرگرم مباحثات خونین کلامی و اعتقادی مجسم می سازد. قرآن و حدیث که می بایست نهال معرفت و خصلتهای نیک را زنده بدارد، به ابزاری در دست قدرتمندان یا اشتغالی برای عمر بی ثمر این تهکاران و تبه ورزان تبدیل شده بود. [۱۲]. این چنین اوضاع آشفته سیاسی - اجتماعی زمینه مناسبی شده بود برای وقوع حرکتها و قیامهای اصلاح طلبانه، اگر چه در این میان انگیزه ها و اهداف قیام یکسان نبودند ولی در هر حال مردم هر روز شاهد بودند که در گوشه ای از سرزمین پهناور اسلامی کسی علم مخالفت و مبارزه با نظام حاکم را به دست گرفته و داعیه دار احقاق حقوق مظلومان و ستمدیدگان می شود. بر همه خصوصیات این زمان پر آشوب اضافه کنید ایجاد فرقه ها و گروههای بی شمار با عقاید و اندیشه های گوناگون و متضاد، نحلله های مختلف کلامی و فقهی. صوفی پیشه ها و زاهد نمایانی که برای خود طرحی نو در افکنده بودند. رواج اندیشه های مادی و ضد خدایی و بالاخره سیل بنیان کن افکار و عقاید نوینی که از آن سوی مرزها ایمان فطری مسلمانان را مورد هجوم قرار داده بود. در این فضای مسموم، خفه و تاریک و در این روزگار پربلا و دشوار بود که امام صادق، علیه السلام، بار امانت الهی را بر دوش گرفت و به راستی چه ضرورتی و حیاتی است امامت با آن مفهوم مترقی که در فرهنگ شیعی شناخته و دانسته ایم برای امتی سرگشته و فریب خورده، ستم کشیده در چنین روزگار تاریک و پربلا. [۱۳]. این شمایی کلی بود از وضعیت زمان و سوانح روزگار در آن عصر پر ماجرا، اما اینکه در این میان امام چه نقشی را بر عهده می گیرند و چه اهدافی را دنبال می کنند، خود بحث مفصلی است که این مجال را فرصت طرح دقیق و کامل آن نیست و ما تنها اشاراتی گذرا به آن خواهیم داشت ولی پیش از آن لازم دیدیم که در حد یک شناخت اجمالی سایر حرکت‌هایی را که با اهداف اصلاح طلبانه در آن روزگار وجود داشتند، بررسی نماییم تا هرچه بهتر به صحت تدابیر اتخاذ شده از سوی امام صادق، علیه السلام، واقف شویم.

قیامها و حرکت‌های اصلاح طلبانه در عصر امام صادق (ع)

پیش از این گفتیم که نیمه اول قرن دوم هجری شاهد وقوع قیامها و حرکت‌های مسلحانه متعددی بر ضد دستگاه اموی بود که در این میان نقش انقلابیون علوی حائز اهمیت بسیاری است. بسیاری از انقلابیون علوی سعی داشتند با فداکاری و نثار خون خود، وجدان خفته جامعه اسلامی را بیدار سازند و جامعه را به طریق صحیح خود که همانا حاکمیت امام معصوم بود برگردانند که نمونه بارز ایشان امامزادگانی چون «زید بن علی بن الحسین» و فرزندش «یحیی بن زید» هستند که در نهایت اخلاص به حرکتی شجاعانه در زمانه سکوت دست یازیدند، اگر چه به دلیل نامناسب بودن شرایط جامعه برای چنین حرکت‌هایی به نتیجه ای مطلوب دست نیافتند. «زید بن علی بن الحسین، علیه السلام». در زمان «هشام بن عبدالملک» خلیفه سفاک اموی به خونخواهی جدش حسین بن علی، علیهما السلام، و در اعتراض به سیاستها و عملکردهای ضد اسلامی خلفای جابر اموی در عراق دست به قیامی مسلحانه می زند اما بار دیگر تاریخ تکرار شده و مردم نابکار کوفه او را نیز چون جد بزرگوارش در میان دشمنان بی یار و یاور رها می سازند. زید در سال ۱۲۰ ق به شهادت می رسد و پیکر مطهرش را تا مدت‌های مدیدی بر دار ننگه می دارند اما یک تن از آن بی وفا مردم به مخالفت بر نمی خیزند تا سرانجام به دستور هشام آن پیکر سربدار را به آتش می کشند و خاکسترش را بر باد می دهند. هنگامی که خبر شهادت زید بن علی به امام صادق، علیه السلام، می رسد، حضرتش را اندوهی عمیق فرا می گیرد و بسیار محزون می شوند به حدی که آثار خون و اندوه به وضوح در چهره اش نمایان می گردد و آن حضرت دستور می دهد که از مال خود، هزار دینار در میان خاندان کسانی که با زید کشته شده اند پخش کنند. [۱۴]. امام صادق، علیه السلام، در وصف جناب «زید بن علی بن الحسین» می فرماید: «خداوند عمویم زید را رحمت کند. او مردم را به سوی «رضای آل محمد» دعوت می کرد و اگر پیروز می گردید، در پیشگاه خدا عهد خود را وفا نموده و به آنچه گفته بود عمل می کرد». [۱۵].

قیام یحیی بن زید

یحیی پسر زید دنباله فعالیت پدر را گرفت و به منظور نجات و پیروزی هواداران مهاجر کوفی که «حجاج بن یوسف» و دیگر امرای اموی عراق آنان را به خراسان تبعید کرده بودند، به این استان دور دست رفت ولی او نیز به سال ۱۲۵ ق پس از چند سال مبارزه و تلاش به همان سرنوشت پدر مبتلا گردید. [۱۶]. اما قیامهای دیگری هم از سوی علویان واقع می شد که به دلیل اهداف جاه طلبانه و خودپسندانه ای که در رهبران این قیامها وجود داشت، هرگز مورد تایید و رضایت امام صادق، علیه السلام، واقع نگردید. که از جمله می توان به جنبش مسلحانه نوادگان امام حسن مجتبی، علیه السلام، اشاره نمود:

قیام نوادگان امام حسن مجتبی (ع)

«عبدالله محض» که پسرزاده امام حسن مجتبی، علیه السلام، بود، همواره برای به قدرت رساندن پسرانش تلاش می کرد و پسر خود «محمد» معروف به «نفس زکیه» را قائم آل محمد می خواند، از این رو در پی فرصتی بود که به اهداف خود جامه عمل بپوشاند و حتی به دنبال این بود که از امام صادق، علیه السلام، نیز برای پسرش بیعت بگیرد، اما امام در پاسخ او با لحنی خیرخواهانه فرمود: «من ترا ای پسرعمو به پناه خدا می سپارم و هرگز به مصلحت شما نمی دانم که در این امر (به دست گرفتن حکومت) دخالت کنید، من می ترسم که با این اقدام خود و خانواده ات به نابودی کشیده شوید». عبدالله که از این سخنان امام جا خورده بود و انتظار چنین جوابی را نداشت شروع به سخنانی در انکار و رد امامت فرزندان حسین بن علی، علیهما السلام، نمود. اما سرانجام پس از دقایقی بحث و مجادله با امام با این پاسخ مواجه شد که: «مرا اطاعت کن ای ابومحمد! به خداوند متعال خدایی که جز او خدای دیگری

نیست قسم می خورم که من از تو پندها و خیراندیشی های خود را دریغ نمی دارم. ولی افسوس می خورم که تو پند مرا نمی پذیری و از آنچه تقدیر شده است، راه گریزی نیست. تو نمی دانی که پسر محمد همین محمد در «سده اشجع» در آغوش سیل آن دامنه کشته خواهد شد». سرانجام در سال ۱۴۴ ق و در زمان خلافت منصور عباسی فرزندان عبدالله دست به قیام زدند و حتی در جریان قیام خود برای اینکه امام صادق، علیه السلام، را به همکاری با خود وادار کنند، به اعمال خشونت پرداخته و حضرتش را به بند کشیدند. اما همه این فعالیتها برای آنها ثمری نداشت و آنچنان که امام پیش بینی نموده بود، «محمد» و «ابراهیم» فرزندان عبدالله محض در سال ۱۴۵ ق در جنگ با سپاه عباسی به قتل رسیدند. [۱۷]. این گوشه ای بود از حرکت‌های اعتراض آمیزی که گاه به صورت مسلحانه و گاه به صورت قیام مردمی هر چند صباح در جامعه آن روز اتفاق می افتاد. اما اینک می پردازیم به بررسی سیاست و خط مشی ای که امام صادق، علیه السلام، در آن اوضاع و احوال آشفته در پیش گرفتند:

خط مشی و موقعیت امام صادق (ع)

امام ششم شیعیان، علیه السلام، پس از آنکه واقعیت امت را از لحاظ فکری و عملی فهمید و شرایط سیاسی و اجتماعی محیط را دانست و واقعیت سیاسی را که امت در آن می زیست و قدرت و امکانات او را که می توانست با آن روبرو شود و مبارزه سیاسی را آغاز کند شناخت، قیام به شمشیر و پیروزی مسلحانه و فوری را برای برپاداشتن حکومت اسلامی کافی ندید، چه برپای داشتن حکومت و نفوذ آن در امت به مجرد آماده کردن قوا برای حمله نظامی وابسته نبود، بلکه پیش از آن بایستی سپاهی عقیدتی تهیه می شد که به امام و عصمت او ایمان مطلق داشته باشد و هدفهای بزرگ او را ادراک کند و در زمینه حکومت از برنامه او پشتیبانی کرده و دست آوردهایی را که برای امت حاصل می گردید پاسبانی نماید. گفتگوی امام صادق، علیه السلام، با یکی از اصحاب خود مضمون گفته ما را آشکار می سازد [۱۸]. و این معنی را بخوبی روشن می سازد که امام در پی ساختن شیعیانی بود که با درک هدف والای امام، بتوانند در همه حال ایشان را همراهی نمایند. از «سدیر صیرفی» روایت شده است که گفت: «بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و گفتم: خدای را چه نشسته ای؟! فرمود: ای سدیر چه اتفاق افتاده است؟ گفتم: از فراوانی دوستان و شیعیان و یاران سخنی می گویم. فرمود: فکر می کنی چند تن باشند؟ گفتم: یکصد هزار. فرمود: یکصد هزار؟ گفتم: آری و شاید دویست هزار. فرمود: دویست هزار؟ گفتم: آری و شاید نیمی از جهان. صیرفی سخن خود را چنین ادامه می دهد که: آنگاه امام خاموش گردید و سخنی نفرمود تا به اتفاق هم به منطقه «ینبع» رفتیم، آن حضرت در آنجا به گله ای از بزها [که مشغول چرا بودند] اشاره کرده و فرمود: ای سدیر اگر شیعیان ما به تعداد این بزها رسیده بودند، بر جای نمی نشستیم!». [۱۹]. از گفتگوی امام صادق، علیه السلام، با سدیر در می یابیم که اگر امام می توانست به یاری دهندگان و به قدرتی تکیه کند که پس از عمل مسلحانه هدفهای اسلام را تحقق بخشند، پیوسته آمادگی داشت که دست به قیام مسلحانه بزند اما اوضاع و احوال و شرایط زمان مجال نمی داد که امام، علیه السلام، حتی اندیشه این موضوع را در سر پیوراند که با سیاست حاکم روز وارد کشمکش گردد، زیرا این کار امری بود که اگر قطعاً با شکست روبرو نمی شد باز هم نتایج آن تضمین شده نبود. به عبارت دیگر با آن شرایط موجود اگر هم شکست نمی خورد نتیجه مثبت قیام مسلم نبود. [۲۰]. لذا امام، علیه السلام، با مد نظر قرار دادن دو هدف عمده که وجه نظر همه ائمه راستین شیعه بوده است، یعنی ارائه تفکر درست اسلامی و تبیین و تطبیق و تفسیر کتب که خود متضمن مبارزه با تحریفها و دستکاریهای جاهلانه و مغرضانه است و آنگاه پی ریزی و زمینه سازی نظام قسط و حق توحیدی به فعالیت عمیق و ریشه دار دست می زنند. امام صادق، علیه السلام، با درایت و تیزی که حاصل از ارتباط به سرچشمه وحی بود، با مهارت بسیار از حالت فترتی که در فاصله دوران انتقال از بنی امیه به بنی عباس حاصل شده بود بهره برداری نموده و در طول دوران ۳۴ ساله امامت خویش که طولانی ترین دوره امامت ائمه شیعه است در راه اهداف یاد شده به مبارزه ای مستمر و بی امان پرداختند که حاصل این مجاهدتها تقویت بنیانهای

شیعه و آسیب ناپذیر شدن این بنیاد مقدس بود به حدی که امروز ما هر چه داریم از ثمرات آن مجاهدتهاست و چه زیبا فرمود امام راحل‌مان، رضوان الله تعالی علیه، که: «ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین، علیهم صلوات الله، و متعهد به پیروی آنانیم». [۲۱]. با این امید که توانسته باشیم گوشه ای از مظلومیت‌های ائمه راستین شیعه را به تصویر بکشیم و گامی بس ناچیز در راه شناخت، و ارج گذاری مجاهدتها و فداکاریهای بی دریغی که آنان برای حفظ یادگار گرانقدر پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، و زدودن زنگارهای جهل و خرافه و تحریف از چهره نورانی اسلام نمودند، برداریم. باشد تا معرفتمان نسبت به این ذخایر ارزشمند الهی، ما را در پیروی روزافزون از راه و آیین آنان رهنمون شود و به مصداق حدیث صادق آل محمد، صلی الله علیه و آله وسلم، زینت ائمه خویش گردیم.

پاورقی

- [۱] المفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ص ۵۲۶، همچنین ر.ک: الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، اعلام الوری با اعلام الوری، ص ۲۶۶.
- [۲] الاربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۱۵۵.
- [۳] فاضل، جواد، معصوم هشتم، ص ۴، همچنین ر.ک: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۹۹.
- [۴] ابن شهر آشوب، همان، ص ۴۰۰، همچنین ر.ک: اصفهانی، عمادالدین، زندگانی حضرت امام جعفر صادق، ص ۳۲.
- [۵] مفید، محمد بن نعمان، همان، ص ۵۲۷، الاربلی، علی بن عیسی، همان، ص ۱۶۷.
- [۶] فاضل، جواد، معصوم هفتم، ص ۵۷.
- [۷] همان، ص ۶۲.
- [۸] همان، صص ۷۷-۸۰.
- [۹] فاضل، جواد، معصوم هشتم، ص ۳۲.]
- [۱۰] همان، ص ۳۳.
- [۱۱] همان، صص ۶۵-۵۷.
- [۱۲] خامنه ای، سیدعلی (آیت الله)، پیشوای صادق، صص ۵۵-۵۸.
- [۱۳] همان جا.
- [۱۴] المفید، محمد بن نعمان، همان، صص ۵۲۲-۵۲۱.
- [۱۵] ممقانی، رجال، ج ۱، ص ۴۶۸، به نقل از پیشوای صادق.
- [۱۶] قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۲، صص ۳۶-۳۷. لازم به تذکر است که «یحیی بن زید» همان شخصی است که حامل صحیفه ی سجادیه بوده است.
- [۱۷] فاضل، جواد، همان، صص ۱۰۱-۷۶.
- [۱۸] ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله مبشری، ص ۱۸۳.
- [۱۹] الکلبینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۲ به نقل از ماخذ فوق، ص ۱۸۴.
- [۲۰] همان، ص ۱۸۵.
- [۲۱] وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام (رحمت الله علیه)، صحیفه نور، ج ۲۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمضان و چهارراه وفائی / مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱) ۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شباه: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده داری از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو در پیچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها شدن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

